

## اصل صلاحیت ملی (۱)

اصل مورد بحث در این سمینار یعنی اصل صلاحیت ملی یکی از اصول مهم و مشخصه فرم و شیوه کنفدرال (۲) سازمان ملل متحد است. رعایت این اصل که در بند ۷ ماده منشور ملل متحد (۳) پیش بینی شده است بنحو قابل توجهی حوزه عمل سازمان ملل متحد را محدود میسازد. علت گنجاندن این اصل در منشور رعایت آزادی عمل دولتها در امور ملی و داخلی آنها بوده است ولی عملا این اصل بمانعی تبدیل شده که میدان فعالیتهای سفید سازمان ملل متحد را بنحو مؤثری محدود گردانده است.

### سابقه تاریخی اصل صلاحیت ملی

در بند (۸) ماده ۱۵ میثاق جامعه ملل در فصل حل اختلافات اصل صلاحیت ملی دولتها پیش بینی شده بود (۴) بدین ترتیب که وقتی موضوع مورد اختلاف منحصر داخل در صلاحیت ملی یکی از کشورهای طرف اختلاف میبود شوری بدون اینکه هیچگونه توصیه‌ای بعمل آورد فقط موضوع را بمجمع گزارش مینمود. بنا بر سابقه تاریخی مذکور پیشنهادات دسبارتن اکس (۵) نیز اصل صلاحیت ملی را فقط در فصلی از پیشنهادات ذکر کرده بود که بعملیات شوری امنیت برای حل مسالمت آمیز اختلافات مربوط بود ولی در کنفرانس سانفرانسیسکو این اصل را جزو اصول منشور قرار دادند و بالتبع نتیجه محدودیت ناشی از رعایت اصل مذکور شامل عملیات کلیه ارگانهای سازمان ملل گردید در کنفرانس سانفرانسیسکو تصویب این اصل با مخالفت و انتقادات شدید بعضی از نمایندگان روبرو گردید. آنها اظهار عقیده میکردند که تصویب این اصل بدون جهت این سازمان جدید جهانی را تضعیف و محدود خواهد کرد. معینا دول بزرگ اصرار بتصویب این اصل داشتند و دول کوچک هم از ترس دخالتهای احتمالی سازمان ملل متحد در امور ملی و داخلی آنها از تصویب این اصل پشتیبانی نمودند.

### تفسیر و اهمیت اصلی صلاحیت ملی

توجه به تعیین حدود تأثیر و مرز عمل اصل صلاحیت ملی مذکور در بند (۲) ماده (۷) منشور ملل متحد از اموری است که بدون شک در سرنوشت سازمان ملل متحد تأثیر کلی سبببخشد. لازم بتوضیح نیست که مسائل مهم بین المللی امروزه دیگر قابل تقسیم به مسائل ملی و بین المللی نیستند «گرچه امکان وجود چنین تقسیم بندی و مرزی در ایام گذشته هم بعید بنظر میآمد». امروزه هر مسئله مهمی دارای هر دو جنبه است. هم بین المللی است و در عین حال هم ملی و این دو جنبه چنان بیکدیگر بستگی دارند که مشکل میتوان برای

آن حد و مرزی قائل شد. شاید بهمین لحاظ بود که در هنگام تنظیم بند (۷) ماده (۲) منشور جمله اموری که منحصر داخل در صلاحیت ملی یک کشور است (۶) به جمله «اموری که اساساً داخل در صلاحیت ملی یک کشور است» (۷) تبدیل گردید زیرا امروزه وجود اموری که منحصر داخل در صلاحیت ملی یک کشور باشد قابل قبول بنظر نمیآید. بدون اغراق میتوان گفت این مطلب که سازمان ملل متحد تا چه حد موفق میشود که وسعت عمل پیدا کند و بهداف و مقاصد خود جامه عمل بپوشاند بطور عمده‌ای بستگی بتفسیر اصل صلاحیت ملی دارد.

بخصوص که این اصل بصورتی ساده و کلی در بند (۷) ماده (۲) منشور ذکر شد است و حال آنکه در عمل در اموری بدان استناد میشود که پیچیده و غامض است و قضاوتش آسان نیست و گذشته از آن معلوم نیست که هنگام بروز اختلاف نظر بین سازمان و دول عضو بر سر اینکه آیا مسئله‌ای اساساً داخل در صلاحیت ملی آنکشورها هست یا نه حق تشخیص و قضاوت با که و کدام مرجع است؟ متأسفانه در عرف بین المللی و قواعد حقوق بین الملل عمومی هم ضابطه و قاعده‌ای که مورد قبول همه دول باشد برای تعیین حدود صلاحیت ملی (۸) و صلاحیت بین المللی (۹) در دست نیست. تفسیر اصل صلاحیت ملی دولتها و تعیین و تعریف حدود تأثیر آن بقدری اهمیت دارد که میتوان گفت از طرفی میتواند دامنه عملیات سازمان ملل متحد را آنقدر توسعه دهد تا کلیه مسائل جهانی و مشکلاتی که نوع بشر با آن روبرو است در برگیرد و از طرف دیگر میتواند دامنه عملیات سازمان ملل را بقدری محدود گرداند تا اینکه سازمان را بکلی در لغافه تفسیر محدود عبارات مدفون سازد.

### اصل صلاحیت ملی در جریان عمل

در جریان عمل اصل صلاحیت ملی بارها در هنگام طرح شکایات و رسیدگی بمسائل در ارگانهای مختلف سازمان مورد استناد دول ذینفع قرار گرفت و هر کدام آنرا بنحوی تعبیر و تفسیر مینمودند تا بتوانند با موضوع مورد استناد خود وفق دهند ذیلاً بطور خلاصه واجمال مسائل اسپانیا، اندونزی، رفتار دولت افریقای جنوبی نسبت باقلیت هندیهای آن کشور، چکسلواکی، عدم رعایت حقوق بشر در شوروی، شکایت دولت انگلیس از دولت ایران و مسئله تبعیض نژادی در افریقای جنوبی را که هنگام طرح آنها اصل صلاحیت ملی مورد استناد قرار گرفت شرح می دهیم.

#### ۱ - مسئله اسپانیا :-

مسئله اسپانیا ابتدا توسط دولت پاناما در تاریخ فوریه ۱۹۴۶ در مجمع عمومی مطرح شد و قطعنامه شماره ۳۲ بتصویب رسید که با اشاره بتصمیمات کنفرانس پتسدام و اینکه رژیم فرانکو که با کمک دولتهای فاشیست آلمان و ایتالیا بر سر کار آمده و باین علت حق ورود بهر گه ملل متحد را ندارد بکشورهای عضو توصیه مینمود که در روابط آینده خود با رژیم فرانکو بر اساس حقایق مذکور عمل نمایند. در آوریل همانسال مسئله اسپانیا توسط دولت

لهستان در شورای امنیت مطرح شد و در آنجا نماینده شوروی خواستار عملیات مؤثر برای سرنگون کردن رژیم فرانکو گردید ولی چون از نتیجه مذاکرات نتیجه‌ای حاصل نشد پس از هشتماه بحث سرانجام در نوامبر ۱۹۴۶ مسئله از دستور شورای امنیت خارج شد تا مجمع عمومی بتواند در آن باره به بحث بپردازد. مجمع عمومی پس از مباحثه در این باره در ۲۰ دسامبر ۱۹۴۶ قطعنامه‌ای بتصویب رساند مبنی بر اینکه چون دولت فرانکو از متحدین آلمان و ایتالیا فاشیست و ژاپن در جنگ گذشته بوده لذا از ورود سازمان ملل متحد یا هر مؤسسه بین‌المللی دیگر وابسته سازمان محروم می‌گردد و ملل عضو توصیه شده بود که روابط خود را با رژیم فرانکو قطع نمایند و سفراء و وزراء مختار خود را از مادرید فراخوانند ضمناً در این قطعنامه پیش‌بینی شده بود که اگر در مدت متناسبی دموکراسی در اسپانیا بوجود نیاید شورای امنیت مطالعه جدی در این زمینه بعمل آورد. در هنگام بحث در باره مسئله اسپانیا در سازمان این بحث پیش کشیده شد که مسئله رژیم داخلی اسپانیا از مصادیق بند (۷) ماده (۲) منشور و مداخله در این باره خارج از صلاحیت سازمان ملل متحد است ولی اکثریت نمایندگان در مجمع عمومی وجود رژیم فرانکو را در اسپانیا بعنوان یکی از مصادیق تهدید صلح بین‌المللی و بالنتیجه مسئله اسپانیا را یک مسئله بین‌المللی و سازمان را صالح برای مذاکره و اخذ تصمیم در مورد آن دانستند. با وجود تصویب قطعنامه مذکور چون هیچگاه پیشنهاد اقدامات علیه رژیم فرانکو در شورای امنیت بتصویب نرسید در نوامبر سال ۱۹۵۰ مجمع عمومی قطعنامه‌ای را تصویب نمود که بموجب آن قسمتهائی از قطعنامه ۱۲ دسامبر ۱۹۴۶ لغو و اعلام گردید که از این تاریخ ببعد اجازه ورود یا عدم اجازه ورود اسپانیا به مؤسسات بین‌المللی وابسته سازمان ملل متحد بسته به تشخیص مؤسسات مربوطه و همچنین قطع یا برقراری رابطه دیپلماتیک دولتهای عضو با دولت نامبرده بسته به تشخیص دولتهای مربوطه میباشد.

## ۲ - مسئله اندونزی :

در تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۹۴۶ اولین بار نماینده اوکراین توجه شورای امنیت را بدین مسئله معطوف داشت که اداسه جنگ هلند و اندونزی صلح دنیا را به خطر انداخته است ولی پیشنهاد ایجاد یک کمیته تحقیق در این باره بتصویب نرسید. برای بار دوم در ژوئیه ۱۹۴۷ دولت استرالیا وضع بحرانی جنگ بین اندونزی و هلند را در شوری مطرح ساخت و دولت هندوستان نیز در همان ایام توجه شورا را به مسئله اندونزی جلب نمود. دولت هلند باین استدلال که مطابق قواعد حقوق بین‌الملل عمومی اداره مستعمرات از امور مربوط به صلاحیت ملی هلند میباشد باستناد بند (۷) ماده (۲) منشور ملل متحد صلاحیت سازمان ملل و شورای امنیت را برای مداخله در این موضوع تکذیب نمود. شورای امنیت پس از بحث در این باره بتاريخ اول اوت ۱۹۴۷ قطعنامه‌ای تصویب کرد که طی آن بطرفین مخاصمه خطاب مینمود که عملیات جنگی را متوقف ساخته و اختلافات خود را از راه مسالمت آمیز حل و فصل نمایند در همین ماه اوت ۱۹۴۷ دو قطعنامه دیگر بتصویب شورا رسید یکی دائر بر مراقبت در امر

آتش بس بین نیروهای هلند و اندونزی و دیگری مربوط بایجاد یک کمیته میانجیگری برای حل اختلافات طرفین .

### ۳ - مسئله رفتار دولت آفریقای جنوبی نسبت باقلیت هندیهای آن کشور :

در ژوئن ۱۹۴۶ دولت هندوستان از مجمع عمومی در خواست نمود که مسئله رفتار دولت آفریقای جنوبی نسبت باقلیت هندیهای آن کشور را در دستور کار خود قرار دهد خلاصه شکایت دولت هندوستان این بود که دولت آفریقای جنوبی با وضع قوانین تازه محدودیتها و محرومیتهای جدیدی برای اقلیت هندیهای آن کشور فراهم نموده و این عمل ناقض مفاد قراردادهای موجود بین دو دولت هندوستان و آفریقای جنوبی و مقررات منشور ملل متحد در مورد آزادیهای اساسی افراد و حقوق بشر است . دولت آفریقای جنوبی با تویل به بند (۷) ماده (۲) منشور ملل متحد صلاحیت سازمان ملل متحد را در رسیدگی باین شکایت انکار نمود و این عمل را مداخله در اموری که اساساً مربوط بصلاحیت دولت آفریقای جنوبی است نامید . در این باره در مجمع بحث زیادی بعمل آمد و منجر بتصویب قطعنامه ۸ دسامبر ۱۹۴۶ گردید مبنی بر اینکه به روابط دوستانه بین دو دولت لطمه وارد شده است و رفتار دولت آفریقای جنوبی نسبت باقلیت هندیهای آن کشور باید براساس تعهدات بین المللی باشد . ضمناً بدو دولت توصیه شد که نتیجه اقدامات خود را در دوره اجلاسیه بعد باطلاع مجمع برسانند . در سال بعد دولت هندوستان به مجمع عمومی گزارش داد که دولت آفریقای جنوبی بقطعنامه ترتیب اثر نداده و بدرفتاری بیشتری نیز باقلیت هندیهای آن کشور وارد داشته است نماینده دولت آفریقای جنوبی بار دیگر به بند (۷) ماده (۱۲) منشور یعنی اصل صلاحیت ملی استناد جست و منکر صلاحیت سازمان برای هر گونه بحث درباره موضوع گردید مجمع عمومی پس از چند جلسه بحث در اینباره در ماه مه ۱۹۴۹ قطعنامه ای تصویب و از دولتین هندوستان و آفریقای جنوبی دعوت نمود که با شرکت دولت پاکستان کنفرانسی ترتیب دهند و بادر نظر گرفتن اصول منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر بموضوع رسیدگی کنند .

### ۴ - مسئله چکسلواکی :

در مارس ۱۹۴۸ دولت شیلی توجه شورای امنیت را باین موضوع معطوف داشت که استقلال چکسلواکی بواسطه دخالتهای دولت شوروی به خطر افتاده است و با وجود مخالفت شدید نماینده شوروی مبنی بر اینکه طرح چنین شکایتی مداخله در امور داخلی در صلاحیت ملی چکسلواکی و نقض فاحش بند (۷) ماده (۲) منشور ملل متحد میباشد . مسئله مذکور در دستور کار شورا قرار گرفت . دولت شوروی اتهام مداخله راقویاً تکذیب نمود و شورای امنیت از نماینده پیشین چکسلواکی دو سازمان ملل و همچنین دولتی که جدیداً در چکسلواکی روی کار آمده بود دعوت نمود تا در مذاکرات شورا شرکت نمایند . دولت جدید چکسلواکی این دعوت را رد نمود و آنرا مداخله در کارهاییکه اساساً مربوط بصلاحیت ملی چکسلواکی میباشد دانست و این عمل را نقض آشکار منشور ملل متحد و نتیجه یک مانور خصومت آمیز

دول غربی در شورای امنیت نامید. چون پیشنهاد تأسیس یک کمیته تحقیق برای رسیدگی بمسئله مذکور بارای مخالف دولت شوروی بتصویب نرسید. اقدام دیگری در این باره میسر نگردید.

### ۵ - مسئله عدم رعایت حقوق بشر در شوروی :

در ۲۷ مه ۱۹۴۸ دولت شیلی باستناد ماده ۱۴ منشور ملل متحد شکایتی مبنی بر نقض حقوق بشر و منشور ملل متحد و مقررات دیپلماتیک توسط دولت شوروی بمجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم داشت بدین توضیح که دولت شوروی از خروج زنان شوروی که بازدواج مردان خارجی درآمده اند از آنکشور جلوگیری می نماید و این عمل خلاف آزادیهای اساسی و حقوق بشر مقرر در منشور ملل متحد و در مورد زنانی که با ازدواج نمایندگان سیاسی خارجی درآمده اند و اینک همسر نمایندگان سیاسی مقیم شوروی میباشند توأم با نقض مقررات دیپلماتیک می باشد. دفاع نماینده شوروی در مجمع عمومی مبنی بر اینکه زنان مورد شکایت نماینده شیلی تابعیت شوروی خود را حفظ نموده و بنا بر این مسئله عدم اعطای ویزای خروج بزنان مذکور از مسائلی است که اساساً مربوط بصلاحیت ملی شوروی می باشد و مجمع عمومی طبق بند (۷) ماده (۲) منشور صلاحیت مداخله و بحث در باره این مسئله را ندارد بجائی نرسید و مجمع عمومی سازمان در جلسه مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۴۹ قطعنامه شماره ۳/۲۸۵ را تصویب نمود که طی آن بایادآوری اصول منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر عمل دولت شوروی را در جلوگیری از خروج زنان مورد بحث از آنکشور ناقض اصول مذکور و مقررات دیپلماتیک و خلاف نزاکت سیاسی دانست و باندولت توصیه نمود که در تعدیل اقدامات خود بکوشد.

### ۶ - مسئله شکایت دولت انگلیس از دولت ایران در موضوع شرکت نفت

#### انگلیس و ایران :

در سال ۱۹۵۱ بر اثر تصویب قانون ملی شدن صنایع نفت توسط پارلمان ایران اختلافاتی ما بین دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران بوجود آمد. بموجب تقاضای دولت انگلیس به حمایت از شرکت نفت انگلیس و ایران دیوان بین المللی دادگستری بتاريخ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ دستور موقتی مبنی بر انجام اقدامات احتیاطی برای حفاظت حقوق و اموال شرکت مذکور صادر نمود. در ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۱ دولت انگلیس بشورای امنیت شکایت نمود که چون عمل دولت ایران در سلی کردن صنایع نفت و ضبط اموال شرکت نفت برخلاف قواعد حقوق بین الملل عمومی بوده و از طرفی دولت ایران نتوانسته مفاد دستور موقت دیوان بین المللی دادگستری را بموقع اجرا بگذارد و با این ترتیب صلح و امنیت عمومی در معرض خطر است لذا دخالت شورای امنیت را در این مورد خواستار می باشد. این شکایت با وجود مخالفت دو تن از اعضای شورای امنیت در دستور کار شورا قرار گرفت و در هنگام رسیدگی نماینده دولت ایران با استناد به بند (۷) ماده (۲) منشور ملل متحد استدلال نمود که جریان

ملی کردن صنایع نفت از کارها نیست که اساساً داخل در صلاحیت ملی دولت ایران می باشد بنابراین شورای امنیت برای رسیدگی باین مسئله صالح نیست. شورای امنیت بالاخره پس از مباحثات زیاد در جلسه ۱۹ اکتبر ۱۹۵۱ بنا به پیشنهاد نماینده دولت فرانسه تصمیم گرفت که رسیدگی بشکایت دولت انگلیس را بعد از رسیدگی دیوان بین المللی دادگستری در اینبار موکول نماید و منتظر نتیجه تصمیم دیوان مذکور درباره صلاحیت یا عدم صلاحیت دیوان در اینبار باشد. در تاریخ ۳۲ ژوئیه ۱۹۵۲ دیوان بین المللی دادگستری خود را صالح برای رسیدگی بمسئله مذکور ندانست و با این تصمیم دستور موقت ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ نیز بی اثر و اساس شکایت دولت انگلیس منتفی گردید.

#### ۷ - مسئله تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی

برای اولین بار در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۳ بر اثر شکایت یکی از دول عضو مسئله تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی در مجمع عمومی مطرح گردید. نماینده دولت آفریقای جنوبی ضمن اعتراض شدید بطرح شکایت مذکور این امر را مداخله سازمان ملل در امریکه اساساً مربوط بصلاحیت ملی کشور آفریقای جنوبی است دانست و صلاحیت سازمان را در رسیدگی باین مسئله باستناد بند (۷) ماده (۲) منشور انکار نمود. مجمع عمومی بموجب قطعنامه شماره ۶۱۶ کمیته ای برای رسیدگی درباره مسئله تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی تأسیس نمود و طی قطعنامه دیگری توصیه نمود که حقوق بشر بایستی توسط همه دول عضو مورد رعایت قرار گیرد. در ۳ اکتبر ۱۹۵۳ کمیته رسیدگی گزارشی بمجمع عمومی تقدیم داشت و طی آن مسئله صلاحیت خود را نیز مورد بحث قرار داده و تصریح نموده بود که مطالعه مسئله تبعیض نژادی توسط این کمیته و اقدام مجمع در این مورد بهیچوجه مغایر با بند (۷) ماده (۲) منشور ملل متحد نمی باشد چون سیاست تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی برخلاف اصول منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده و ادامه چنین روشی بر روابط دوستانه بین ملتها لطمه و آسیب وارد خواهد ساخت. پس از بررسی گزارش مزبور مباحثات زیادی که در کمیته سیاسی و مجمع عمومی بعمل آمد سرانجام در تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۵۳ قطعنامه ای بتصویب رسید که ضمن آن گزارش کمیته رسیدگی مورد تأیید قرار گرفت و اعلام گردید که ایجاد صلح پایدار در جهان بستگی تام بر رعایت حقوق بشری و آزادبهای اساسی افراد دارد. قطعنامه همچنین کمیته رسیدگی را مأمور نمود که کار خود را دنبال نماید و از دولت آفریقای جنوبی نیز دعوت نمود که با کمیته مذکور همکاری نماید.

\*\*\*

بطوریکه دیدیم در مسائل مذکور اصل صلاحیت ملی در موارد مختلف مورد استناد و تعبیر و تفسیر دول ذینفع قرار گرفت. در مورد اسپانیا و چکسلواکی این سؤال پیش آمد که آیا رژیم داخلی کشورها از سوری است که اساساً مربوط بصلاحیت ملی آنکشورها



است یا خیر؟ در مورد اسپانیا شورای امنیت تا حدی و مجمع عمومی در مقیاس بیشتری باین سؤال پاسخ منفی دادند. در مورد چکسلواکی نماینده دولت آمریکا استدلال مینمود که تغییر رژیم موقعی صرفاً یک امر داخلی و اساساً مربوط بصلاحت ملی کشورها است که هیچگونه دخالت مستقیم یا غیر مستقیم یکدولت خارجی در ایجاد آن شرکت نداشته باشد. در مسئله اندونزی دولت هلند مدعی بود که مطابق قواعد حقوق بین الملل عمومی اداره مستعمرات از کارهایی است که اساساً مربوط بصلاحت ملی آنکشور است و تقریباً نظیر همین استدلال هنگام بحث در باره مسئله ایجاد کمیته ای برای جمع آورد آمار و اطلاعات مربوط به بند «ه» ماده (۷۳) منشور راجع بسرمینهای غیر مختار و وابسته از طرف دولتهای اداره کننده در مجمع عمومی عنوان گردید. باید متذکر شد که طی مباحثات راجع بمسائل مذکور و بطور کلی درباره کلیه مسائلی که تاکنون در مورد آنها بند (۲) ماده (۷) منشور مورد استناد دول ذینفع قرار گرفته است در آنگانهای سازمان یک تعریف کلی و قابل قبول برای همه دول در باره تغییر و تفسیر اصل صلاحیت بعنوان ملاک و ضابطه ای که بر طبق آن معین شود که چه مسائلی اساساً مربوط بصلاحت ملی یک کشور است و چه مسائلی خارج از کادر صلاحیت ملی است بدست نیامده است.

نمایندگان دول ذینفع بسته باقتضای زمان و منافع سیاسی دولتهای خود هر بار بنحوی استدلال مینمودند چنانکه نماینده شوروی هنگام بحث راجع بر رژیم حکومت در اسپانیا باستناد اینکه این رژیم بکمک دولت آلمان هیتلری بروی کارآمده است مسئله را یک مسئله بین المللی و داخل در صلاحیت شورای امنیت میدانست و حال آنکه همین نماینده با طرح مسئله رژیم جدید چکسلواکی (که بنا باظهار نماینده دولت شاکی با کمک دولت خارجی بروی کارآمده بود) بعنوان اینکه یک امر داخلی و مربوط بصلاحت ملی کشور مربوطه است مخالفت نمود. از آنجائیکه مباحثات و استدلالات نمایندگان موافق و مخالف هنگام طرح مسائل پیش گفته در باره استناد باصل صلاحیت ملی بروشن شدن بیشتر موضوع کمک میکند و خالی از فایده نیست لذا ذیلاً بشرح خلاصه ای از مباحثات مذکور میپردازیم (نا تمام)

### (توضیحات)

۱ - Confederation در فارسی کنفدراسیون را اتفاق دول ترجمه کرده اند - دویا چند کشور موقعی تشکیل کنفدراسیون میدهند که برای حفظ استقلال داخلی و خارجی خود بموجب قراردادی متفق شده باشند و این اتفاق دارای مجمعی است از نمایندگان کشورهای متفق بنام مجمع اتفاق که این مجمع فقط دارای بعضی اختیارات نسبت بدول عضو میباشد اتفاق دارای شخصیت بین المللی نمیشود. جنگ بین اعضای اتفاق ممنوع است مگر برای حفظ میثاق اتفاق آنها بطریقی که در میثاق پیش بینی شده است.

۳ - بند (۷) ماده (۲) منشور ملل متحد : ( هیچیک از مقررات این منشور ملل متحد را مجاز نمیدارد در کارهائیکه اساساً مربوط بصلاحت ملی یک مملکت است مداخله کند و اعضای سازمان را هم مجبور نمینماید که کارهای از اینقبیل را طبق طریقه ای که در این منشور مقرر است تصفیه کنند. معذالک این اصل با اجرای اقدامات قهری که در فصل هفتم پیش بینی شده است لطمه وارد نخواهد آورد)

۴ - بند (۸) ماده (۱۵) میثاق جامعه ملل : ( هرگاه یکی از طرفین مخاصمه ادعا نماید که اختلاف فیما بین ناشی از موضوعی است که بر طبق قواعد حقوق بین الملل عمومی منحصرأ داخل در صلاحیت ملی او میباشد و شوری نیز صحت این ادعا را تشخیص دهد در اینصورت شوری موضوع اختلاف را همانگونه که هست و بدون اینکه هیچگونه توصیه ای راجع بطریقه رفع آن بعمل آورد بمجمع عمومی گزارش خواهد نمود )

۵ - (Dumborton Oaks) Proposals for Establishment of a General International Organization.

۶ - Matter which are "solely" within the domestic jurisdiction of any state.

۷ - Matters which are "essentially" within the domestic jurisdiction of any state.

Domestic Jurisdiction.

-۸

International Jurisdiction.

-۹